



تعلیقات استاد حسینی بر اسناد احادیث الکافی

محمد رضا جدیدی نژاد

تحقیق قبلی الکافی است؛ بنابراین عدم تغییر آن در هر موضع و عدم ذکر نسخه بدل برای آن، به معنای موافق بودن تحقیق قبلی با جمیع نسخه های مورد استفاده در تحقیق جدید است.^۱

۲. استاد برای تعدد و کثرت نسخه های موافق با تحقیق قبلی الکافی، ترجیح خاصی قائل نشده اند و در هر موردی، اگر دلایل کافی برای ترجیح یک نسخه بدل بر سایر نسخه ها - از جمله تحقیق قبلی الکافی - وجود داشته است، به تصحیح اقدام نموده و وجه صحیح را در متن ثبت نموده اند؛ ولو آنکه نسخه بدل راجح، فقط مستند به یک نسخه از نسخه های الکافی بوده باشد.

۳. زمانی که استاد نسخه بدلی را بر سایر نسخه بدل ها ترجیح داده و در متن ثبت نموده اند، دلیل رجحان را نیز به صورت مختصر نگاه داشته اند که اغلب از پنج سطر تجاوز نمی کند، لیکن گاهی ذکر دلیل نیاز به تفصیل بیشتری داشته است؛ از این رو گاهی نگاهشته استاد، یک یا دو صفحه را به خود اختصاص داده است.

۴. گاهی نسخه بدلی در پاورقی ذکر شده است، لیکن استاد مطلبی در نادرستی آن و درستی آنچه در متن ثبت شده است، ننوشته اند و این بدان سبب است که یا هر دو ممکن است صحیح باشد و یا استاد در آن مورد نتوانسته اند به دلیل محکمی برای ترجیح دست بیابند.

۵. در مواقعی که استاد به تصحیف، مطمئن یا مظنون شده اند، اما نسخه ای موافق با ظن خود نیافته اند، به یادآوری در پاورقی اکتفاء کرده، متن را که مورد تأیید نسخه ها می باشد، تغییر نداده اند.

بر اهل تحقیق پوشیده نیست که اعتبار هر کتابی مانند الکافی - که مؤلف آن از متقدمان است - از دو جهت قابل بررسی است: یک جهت آن، مربوط به مؤلف است و جهت دیگر، معلول چگونگی حفظ آن از تصحیفات و تحریفاتی است که در طول زمان پیش از صنعت چاپ و نشر می توانسته بر آن عارض شود.

در مورد کتاب الکافی از جهت اول تردیدی نیست که مؤلف آن، از آگاهی های لازم برای نگارش کتابی بی نظیر بر پایه استفاده از منابع حدیثی متقدم برخوردار بوده است، اما از جهت دوم اگرچه در حفظ باارزش ترین میراث موجود شیعه سهل انگاری هایی قابل مشاهده است، اما به آن حدی نیست که آن را از مرتبه اول به مرتبه ای پایین تر تنزل دهد و یا قابل جبران نباشد؛ چنان که نگارنده در این مقاله در صدد معرفی کوشش فاضلی ارجمند در جهت جبران این نقیصه در بخش اسناد الکافی است.

فاضل مورد اشاره، استاد سیدعلی رضا حسینی (دام ظلّه) است که در تحقیق جدید کتاب الکافی تحقیق و تصحیح اسناد این کتاب شریف را بر عهده گرفته است.

ایشان ضمن زدودن غبار تصحیفات از اسناد الکافی، راهنمایی های بسیار مفیدی نیز به مواضع تحویل در برخی از اسناد و تعلیق برخی اسناد بر اسناد ماقبل از خود و تفصیل برخی از اسناد مختصر شده دارند؛ از این رو نگارنده تلاش آن بزرگوار در تحقیق اسناد را در چهار بخش مورد اشاره، پی گیری خواهد کرد. ان شاء الله الرحمن.

الف) تصحیح اسناد از تصحیفات

شیوه استاد در تصحیح اسناد را می توان در امور ذیل خلاصه نمود:
۱. نسخه ای که سرلوحه اعمال تصحیح قرار گرفته است،

۱. این مطلب به اسناد احادیث اختصاص ندارد و در مورد متن احادیث نیز قضیه از همین قرار است.

۶. به خطاها و تصحیفاتی که در آسناد کتاب های مهمی مانند بصائر الدرجات و المحاسن که از منابع کلینی اند، و نیز التهذیبین که گاهی از الکافی نقل حدیث کرده اند، در پاورقی اشاره و وجه صحیح را بیان کرده اند.

۷. از تمییز نام هایی که به سبب عدم ذکر تمام نسب، بین دو یا چند راوی مشترک اند (مانند احمد بن محمد) صرف نظر کرده اند؛ زیرا این کار خارج از حد پاورقی و نیاز به نگارش کتابی مستقل دارد.

۸. از تعیین درجه سند از جهت صحت و ضعف نیز صرف نظر کرده اند؛ زیرا این عمل با مبانی مختلفی مواجه است و ممکن است حدیثی را که یکی از علماء صحیح دانسته، دیگری حسن یا ضعیف بداند.

۹. در تصحیح آسناد و انتخاب نسخه بدل راجح، از اطلاعات موجود در کتاب های ذیل بهره مند شده اند:
الف) کتاب هایی که برخی احادیث الکافی در آنها نقل شده و در تمام یا قسمتی از سند با الکافی مشترک اند.
ب) خود کتاب الکافی، در مواقعی که حدیثی را تکرار کرده است.

پ) کتاب های رجالی مهمی مانند رجال النجاشی و الفهرست و الرجال نوشته شیخ طوسی و رجال الکشی. کتاب های مذکور، مشتمل بر اطلاعات فراوانی درباره نام کامل راویان و طبقات آنان و شاگردان و مشایخ آنان و ... می باشد؛ از این رو نقش بسزایی در کشف تصحیفات و افتادگی نام برخی راویان از سلسله سند دارند.

ت) فهرستی که مرحوم محقق خوئی در کتاب معجم رجال الحدیث در بخش تفصیل طبقات روات از روایات هریک از راویان ارائه کرده است.

ث) استفاده از کتاب های تاریخ و انساب و لغت و ... در مواقعی که اطلاعات موجود در کتاب های رجالی کافی نبوده اند.

۱۰. به شش سبب از اسباب تصحیف در آسناد توجه داشته، برای کشف تصحیفات، از آنها به عنوان قاعده استفاده کرده اند. این قواعد بسیار مهم اند و از دقت فراوان استاد در مواضع گوناگون تصحیفات استخراج گشته اند. در ذیل این قواعد را به ترتیبی که استاد، خود آنها را در مقدمه الکافی یادآور شده اند، به همراه نمونه ای ملاحظه بفرمایید:

اول) کثرت روایت یک راوی از یکی از مشایخش که در نام با یکی دیگر از مشایخ راوی مزبور مشترک است، می تواند سبب تصحیف نام شیخ دوم به نام شیخ اول شود؛ برای مثال الحسن بن

محبوب از جمیل بن صالح فراوان روایت کرده است و گاهی نیز از جمیل بن دراج روایت کرده است؛ لیکن به جهت کثرت روایت وی از جمیل بن صالح، انس ذهنی ای برای کاتبان ایجاد شده بود که ناخواسته سبب می شده هر گاه بعد از نام الحسن بن محبوب نام جمیل را ببینند، بی درنگ بنویسند جمیل بن صالح؛ در حالی که احياناً برخی از آنها جمیل بن دراج بوده است.

بنابراین در مثال مورد بحث، در هر موضعی که برخی نسخه ها نام جمیل بن صالح را بعد از نام الحسن بن محبوب ضبط کرده باشند و برخی دیگر نام جمیل بن دراج را، می باید دقت شود در صورتی که قرائن رجالی و خارجی (مانند توجه به نام راوی بعد از جمیل و نقل حدیث در سایر منابع حدیثی) بر صحت نام جمیل بن دراج دلالت داشته باشند، فریب نسخه هایی که نام جمیل بن صالح را ضبط کرده اند، نخوریم؛ ولو آنکه اکثرشان اینگونه باشند.^۲

دوم) کثرت روایت یک راوی از یکی از مشایخش و ارتباط شدید بین آن دو نیز می تواند سبب اضافه شدن نابجای نام آن شیخ در برخی آسناد بعد از نام راوی مزبور شود؛ برای مثال علی بن ابراهیم بن هاشم اکثر روایات خود را از طریق پدرش ابراهیم بن هاشم نقل کرده است؛ به گونه ای که در کتاب الکافی نزدیک به چهار هزار سند با «علی بن ابراهیم، عن ابيه» آغاز شده است؛ بنابراین از چنین ارتباط شدیدی یک انس ذهنی برای کاتبان ایجاد شده بود که ناخواسته در بعضی مواقع سبب شده بود تا نام علی بن ابراهیم را ببینند، بی درنگ عبارت «عن ابيه» را بعد از آن بیفزایند؛ از این رو در مثال مورد بحث، در هر موضعی که برخی از نسخه ها از اضافه مورد اشاره تهی باشند، باید به قرائن دیگر (مانند امکان روایت علی بن ابراهیم از راوی ای که نام وی در اکثر نسخه ها بعد از نام پدرش قرار گرفته است و روایت بی واسطه علی بن ابراهیم از او در آسناد دیگر) توجه شود تا فریب اکثریت نسخه ها را نخوریم.^۳

سوم) غریب و کم استعمال شدن یک نام، گاهی سبب

۲. برای نمونه، ر. ک. به: تعلیقه استاد: در الکافی؛ ج ۱، ص ۸۳، ذیل ح ۶۲.

۳. برای نمونه، ر. ک. به: تعلیقه استاد: در الکافی؛ ج ۵، ص ۵۰۳، ذیل ح ۴۵۶۰. البته در نمونه مورد ارجاع، تمام نسخه ها تصحیف شده اند؛ لذا استاد متن را تغییر نداده و به یادآوری در پاورقی بسنده کرده اند.

اسناد تحویلی منسوب به منابع الکافی. اسناد تحویلی منسوب به خود کلینی نیز دو گونه است: اول، نوع معمول از آن که به موضع تلاقی اسناد با کلمه «جمیعاً» یا با تکرار نام راوی ای که موضع تلاقی واقع شده است، اشاره شده است؛ دوم، نوع غیر معمول از آن که با هیچ یک از دو قرینه مذکور همراه نمی باشد. استاد در مواقعی که اسناد تحویلی منسوب به خود کلینی و توأم با یکی از دو قرینه پیش گفته می باشد، به سبب آسان بودن تشخیص موضع تحویل، از ارائه توضیح صرف نظر کرده اند^۱ و در سایر موارد، توضیحات و استدلال های مفیدی برای وقوع تحویل در سند ارائه کرده اند؛ به خصوص در مواقعی که تحویل در سند از منبع الکافی نشأت گرفته است؛ به گونه ای که اگر استدلال های ایشان نبود، شاید کمتر کسی به وقوع تحویل در سند واقف می گشت.

در ذیل، به نمونه هایی از انواع اسناد تحویلی در الکافی، همراه با توضیحات استاد در مواقع مورد اشاره، توجه بفرمایید:

نوع اول

الکافی: «محمد بن اسماعیل، عن الفضل بن شاذان؛ و أحمد بن إدريس، عن محمد بن عبد الجبار جمیعاً، عن صفوان بن یحیی، عن معاویة بن عمار، قال: سمعت أبا عبد الله علیه السلام یقول: ...»؛ چنان که گفته شد، استاد برای این نوع اسناد تحویلی - که شایع ترین نوع اسناد تحویلی در کتاب الکافی است - به سبب وجود کلمه «جمیعاً» در موضع تلاقی دو سند، از ارائه توضیح صرف نظر کرده اند؛ زیرا واضح است که در سند فوق از صفوان بن یحیی به دو طریق روایت شده است؛ اول: «محمد بن اسماعیل، عن الفضل بن شاذان» و دوم: «أحمد بن إدريس، عن محمد بن عبد الجبار».

۴. برای نمونه ر. ک به: تصحیح استاد در: الکافی؛ ج ۱، ص ۲۳۵، ح ۲۹۵ و تعلیقه ایشان در ذیل آن.

۵. برای نمونه ر. ک به: تصحیح استاد در: الکافی؛ ج ۴، ص ۵۱۵، ح ۳۴۰۳ و تعلیقه ایشان در ذیل آن.

۶. برای نمونه ر. ک به: تصحیح استاد در: الکافی، ج ۱، ص ۴۰۱، ح ۴۰۳ و تعلیقه ایشان در ذیل آن.

۷. برای نمونه ر. ک به: تصحیح استاد در: الکافی؛ ج ۱، ص ۳۷۵، ح ۳۹۷ و تعلیقه ایشان در ذیل آن.

۸. ر. ک به: تصحیح استاد در: الکافی؛ ج ۳، ص ۶۵۷، ح ۲۳۹۶ و تعلیقه ایشان در ذیل آن.

۹. برای نمونه ر. ک به: تصحیح استاد در: الکافی؛ ج ۲، ص ۳۲۳، ح ۱۰۴۳ و تعلیقه ایشان در ذیل آن.

۱۰. البته استاد برای این دسته از اسناد تحویلی نیز توضیح نگاشته بودند، لیکن به سبب آنکه در پاورقی ها بنا بر اقل توضیحات بوده است، ایشان را قانع نمودند که از این توضیحات صرف نظر نمایند.

می شود آن نام به نامی تصحیف شود که مشهور و در رسم الحظ با او یکسان یا شبیه به اوست؛ مانند تصحیف «البعقوبی» به «الیعقوبی»^۴ یا تصحیف «زربی» به «رزین»^۵.

چهارم) عادت کاتبان به نوشتن لفظ «بن» بعد از جزء اول از نام راویان، می تواند موجب تصحیف در نام هایی شود که بعد از جزء اول از نام آنها، کنیه شان ذکر شده است؛ مانند تصحیف نام «ثابت ابی سعید» به «ثابت بن سعید»^۶ و یا نام «معلى ابی عثمان» به «معلى بن عثمان» و «معلى بن ابی عثمان»^۷.

پنجم) انتقال نگاه از اسم راوی ای به سوی راوی ای دیگر در سند که در قسمتی از نام با راوی اول مشترك است، سبب سقط نام راوی اول می شود؛ برای نمونه اسناد زیادی در الکافی اینگونه آغاز شده است: «عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن أحمد بن محمد بن ابی نصر»؛ اما گاهی با انتقال نگاه از احمد بن محمد اول به احمد بن محمد دوم، به «عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن ابی نصر» تصحیف شده است.^۸

ششم) عدم توجه به مختصر شدن نام راویان با اعتماد بر تفصیل نام آنان در اسناد پیشین، و عادت کاتبان به نوشتن لفظ «بن» بین دو نام، گاهی سبب تصحیف لفظ «عن» به «بن» و ادغام دو نام متوالی در یکدیگر شده است؛ برای مثال اسناد زیادی در الکافی اینگونه آغاز شده است: «محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد» و بعد با اعتماد بر آنها، سند بعد از آنها گاهی مختصر شده، اینگونه نقل شده است: «محمد، عن أحمد»؛ لیکن در برخی مواضع، سند مختصر شده به دلیل پیش گفته، به «محمد بن أحمد» تصحیف شده است.^۹

ب) راهنمایی های استاد به مواضع تحویل در اسناد تحویلی

هدف از تحویل سند، تقویت متن حدیث در انتساب به معصوم است، و دانستن موضع تحویل در اسناد تحویلی، دانشی است مبتنی بر علم به طبقات راویان، به گونه ای که اگر کسی به طبقات راویان آشنا نباشد، به هیچ وجه نمی تواند مواضع تحویل را مشخص نماید.

اسناد تحویلی در کتاب الکافی را به دو دسته کلی می توان تقسیم کرد: اول اسناد تحویلی منسوب به خود کلینی و دوم،

البته استاد در تمام اسناد تحویلی، سند دوم را مانند آنچه در نمونه مشاهده شد، برای دلالت بیشتر بر موضع تحویل به اول سطر آورده اند، و این را می توان تصویری بدون شرح از تحویل اسناد دانست.

نوع دوم

الکافی: «علی بن ابراهیم بن هاشم، عن أبیه، عن ابن ابی عمیر، عن جمیل؛

و محمد بن إسماعیل، عن الفضل بن شاذان، عن ابن ابی عمیر، عن جمیل بن دراج، عن زرارة، قال: سألت أبا جعفر علیه السلام...»^{۱۱}

استاد برای این نوع از اسناد تحویلی نیز به سبب تکرار نام راوی در موضع تلاقی دو سند، از ارائه توضیح صرف نظر کرده اند؛ زیرا واضح است که در سند فوق از ابن ابی عمیر به دو طریق روایت شده است؛ اول: «علی بن ابراهیم بن هاشم، عن أبیه» و دوم: «محمد بن إسماعیل، عن الفضل بن شاذان».

نوع سوم

الکافی: «علی بن محمد و محمد بن الحسن، عن سهل بن زیاد، عن أحمد بن محمد بن محمد بن ابی نصر؛

و علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن عبد الله بن المغيرة، عن عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: ...»^{۱۲}

استاد در ذیل این حدیث، نگاشته اند: «در این سند تحویل واقع شده به عطف «علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن عبد الله بن المغيرة» بر «علی بن محمد و محمد بن الحسن، عن سهل بن زیاد، عن أحمد بن محمد بن محمد بن ابی نصر»؛ پس، از عبد الله بن سنان، أحمد بن محمد بن ابی نصر و عبد الله بن المغيرة هر دو روایت کرده اند».

سپس ایشان برای آنکه خوانندگان به روایت احمد بن محمد بن ابی نصر از عبد الله بن سنان اطمینان یابند؛ به معجم رجال الحدیث (ج ۲، ص ۶۱۴، بخش تفصیل طبقات روات) ارجاع داده اند تا خوانندگان با مراجعه به محل مزبور، بتوانند به تمام روایات احمد بن محمد بن ابی نصر از عبد الله بن سنان - که مورد بحث نیز از آن جمله است - دست یابند.

نوع چهارم

الکافی: «علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن ابن ابی عمیر، عن حماد، عن الحلبي؛

و معاوية بن عمار جميعاً، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: ...»^{۱۳}

تحویلی که در سند فوق رخ داده است، از کتاب ابن ابی عمیر - که منبع کلینی در نقل این حدیث می باشد - نشأت گرفته است^{۱۴} و استاد در ذیل این حدیث، در استدلال به وقوع تحویل

و موضع آن نگاشته اند: «در این سند تحویل واقع شده به عطف «معاوية بن عمار» بر «حماد، عن الحلبي». آنچه بر این مطلب دلالت دارد - علاوه بر آنکه ابن ابی عمیر راوی کتاب حج از معاوية بن عمار است و نیز ابن ابی عمیر در اسناد زیادی از معاوية بن عمار از امام صادق (ع) نقل روایت کرده است - اینکه: این خبر را روایت کرده است شیخ طوسی در تهذیب الاحکام (ج ۵، ص ۷۸، ح ۲۵۶) به اسنادش از موسی بن القاسم عن صفوان - که او هم راوی کتاب معاوية بن عمار است - عن معاوية بن عمار؛ و حماد بن عثمان عن عبيد الله الحلبي كلاهما عن أبي عبد الله عليه السلام».

سپس ایشان برای آنکه خوانندگان به روایت کتاب حج معاوية بن عمار از طریق ابن ابی عمیر و کثرت روایت ابن ابی عمیر از معاوية بن عمار بدون واسطه اطمینان یابند، به این منابع ارجاع داده اند: رجال النجاشی، ص ۴۱۱، الرقم ۱۰۹۶؛ الفهرست للطوسی، ص ۴۶۲، الرقم ۷۳۷؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۸، ص ۴۲۹-۴۳۳ و ۴۳۶-۴۳۸.

پ) راهنمایی های استاد به تعلیق برخی از اسناد بر اسناد ماقبل از خود هدف از تعلیق در کتاب الکافی مختصر کردن یک یا چند سند متوالی است که حداقل در قسمتی از ابتدای سند با سند پیش از

۱۱. کلینی؛ الکافی؛ ج ۶، ص ۲۴۷، ح ۵۱۴۴.

۱۲. همان، ص ۹۲، ح ۴۹۰۳.

۱۳. الکافی، ج ۸، ص ۳۶۹، ح ۷۱۷۶.

۱۴. در کتاب الکافی اسناد تحویلی ای از این دست که راویان ماقبل از سند دوم ذکر نشده اند، علی القاعده از منابع این کتاب شریف نشأت گرفته اند؛ زیرا اگر قرار باشد آنها را به خود کلینی نسبت دهیم، علاوه بر مخالفت با سیره وی در سایر مواضع، معنایش آن است که وی مغلق نویسنده بوده، از فنون نقل حدیث اطلاع چندانی نداشته است؛ پس اگر تحویل سند در مثال مورد بحث، منسوب به خود کلینی می بود، می بایست از راویان قبل از معاوية بن عمار نیز نام برده می شد؛ البته راویانی که حداقل دو نفر اول آن غیر از «علی بن ابراهیم عن أبیه» باشند؛ زیرا اگر همان راویان سابق تکرار شوند، می توان گفت کلینی بر اساس فهم خود از تحویل سندی که در کتاب ابن ابی عمیر واقع شده، افراد مذکور را برای آشکار کردن تحویل سند افزوده است - که البته به سبب امانت کامل در نقل، هرگز چنین کاری نکرده است - پس باز هم نمی توان تحویلی را به وی نسبت داد؛ علاوه بر این تحویل سند هر مؤلفی، از خود وی آغاز می شود نه از آخر سند.

در سندی که پیش از این حدیث واقع شده است، نامی از سهل بن زیاد برده نشده است و در اسناد ماقبل این حدیث، نزدیک ترین سند به این حدیث که در آن نام سهل بن زیاد واقع شده باشد، پنج حدیث قبل از این حدیث در بابی دیگر می باشد؛ از این رو استاد در ذیل این حدیث نگاشته اند: «روایت مصنف از سهل بن زیاد بدون واسطه صحیح نمی باشد و در این باب سندی وجود ندارد که بتوان گفت این سند بر آن معلق است و احتمال دارد که این سند معلق باشد بر سند حدیث ۴۳۸۷؛ همان طور که احتمال دارد اکتفای کلینی به وضوح طریقیش به سوی سهل بن زیاد و آن «عدة من اصحابنا» می باشد در اکثر اسناد سهل که بالغ می شود به هشتاد نسبت به صد؛ و شاید به جهت شدت وضوح این امر شیخ حر عاملی این سند را در الوسائل (ج ۳، ص ۴۸ ذیل ح ۲۹۹۲) اینگونه آورده است: محمد بن یعقوب، عن عدة من أصحابنا، عن سهل بن زیاد».

شکل دوم

الکافی: «عنه، عن سعدان بن مسلم، عن إسحاق بن عمار، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: ...» ۱۹.
سند حدیثی که پیش از این حدیث نقل شده است، اینگونه است: «الحسین بن محمد، عن أحمد بن إسحاق، عن بكر بن محمد، عن أبي عبد الله عليه السلام ...» ۲۰.
در نمونه فوق، ممکن است برخی تصور کنند مرجع ضمیر در «عنه» الحسین بن محمد است، در نتیجه هیچ تعلیقی واقع نشده است و با عبارت «عنه» فقط اختصار سند صورت گرفته است؛ چنان که در مواضع بسیاری از کتاب الکافی، چنین اختصاری صورت گرفته است؛ لیکن در نمونه مورد بحث، چنین نیست و استاد برای دفع این توهم و اشاره به تعلیق، نگاشته اند: «ضمیر باز می گردد به أحمد بن إسحاق در سند

خود مشترك است. ۱۵ اگر کسی متوجه اسناد معلق در الکافی نشود، چنانچه یک نفر از ابتدای سند حذف شده باشد، نفر دوم سند را شیخ مؤلف خواهد پنداشت، و چنانچه دو یا چند نفر از ابتدای سند حذف شده باشند، تصور خواهد کرد حدیث مرسل است.

در کتاب الکافی تعلیق به دو شکل، فراوان روی داده است. استاد هر دو شکل از تعلیقات واقع شده در این کتاب عزیز را - که می توانسته برای برخی، یکی از دو توهم پیش گفته را بیافریند - مورد توجه قرار داده، برای آنها توضیحات مفیدی نگاشته اند.

در ذیل به نمونه هایی از دو شکل مزبور از اسناد معلق در الکافی، همراه با توضیحات استاد توجه بفرمایید:

شکل اول

الکافی: «حماد بن عیسی، عن حریر، عن زرارة، قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام: ...» ۱۶.
سند حدیثی که پیش از این حدیث نقل شده است، اینگونه است: «علی بن ابراهیم، عن أبيه، عن حماد بن عیسی، عن حریر، عن عمر بن یزید، قال: ...» ۱۷.
استاد در ذیل حدیث فوق، نگاشته اند: «این سند معلق است بر سند سابق، و روایت می کند از حماد بن عیسی، علی بن ابراهیم، عن أبيه».

تعلیقاتی که به این شکل در کتاب الکافی واقع شده اند، گاهی نیاز به توضیحی خاص دارند و آن، هنگامی است که نفر اولی که در ابتدای سند معلق واقع شده، شیخ کلینی باشد و در اسناد ماقبل سندی که بتوان این سند را معلق بر آن دانست، وجود نداشته باشد؛ در این صورت حتی برخی از اهل فن نیز ممکن است تصور کنند سند مزبور اصلاً معلق نیست و فردی که ما تصور می کنیم شیخ کلینی است، در واقع شیخ کلینی است که گاهی بی واسطه از وی روایت کرده است و گاهی با واسطه. نمونه منحصر به فرد این قضیه، سهل بن زیاد شیخ کلینی است که از دیر هنگام، بسیاری از محققان بر این باور بوده اند که وی شیخ کلینی است که گاهی بی واسطه از وی روایت کرده است و گاهی با واسطه.

در ذیل به نمونه ای همراه با توضیح استاد توجه بفرمایید:

الکافی: «سهل بن زیاد، عن ابن محبوب و أحمد بن محمد: فی المرأة إذا ماتت نفساء ...» ۱۸.

۱۵. البته تعلیق در اسناد دو نوع است: نوع اول: یک یا چند نفر از ابتدای سند حذف شوند، لیکن ما از نام آنها مطلع باشیم، و نوع دوم آنکه ما از نام افراد حذف شده مطلع نباشیم که در این صورت در حکم حدیث مرسل خواهد بود.

مازانی می توانیم هدف مؤلف از تعلیق را، اختصار بدانیم که از نام افراد حذف شده مطلع باشیم؛ مانند آنچه در الکافی روی داده است. برای اطلاع از دو نوع پیش گفته تعلیق ر. ک به: مقباس الهدایة؛ ج ۱، ص ۲۱۵-۲۱۷.

۱۶. کلینی؛ الکافی؛ ج ۷، ص ۸۴، ح ۵۸۲۹.

۱۷. همان، ص ۸۳، ح ۵۸۲۸.

۱۸. همان، ج ۵، ص ۴۰۸، ح ۴۳۹۲.

۱۹. همان، ج ۳، ص ۴۹۷، ح ۲۱۵۱.

۲۰. همان، ح ۲۱۵۰.

سابق؛ همانا روایت کرده است أحمد بن إسحاق کتاب سعدان بن مسلم را و واسطه شده است أحمد بن إسحاق بین سعدان بن مسلم و حسین بن محمد در تعدادی از اسناد.

سپس استاد برای اطلاع خوانندگان از روایت کتاب سعدان بن مسلم توسط احمد بن اسحاق و واسطه شدن احمد بن اسحاق بین سعدان بن مسلم و حسین بن محمد در تعدادی از اسناد، به: الفهرست للطوسی، ص ۲۲۶، الرقم ۳۳۶ و معجم رجال الحديث، ج ۲، ص ۴۲۴-۴۲۵ ارجاع داده اند.

تعلیقاتی که به این شکل در الکافی واقع شده اند، گاهی نیاز به توضیح خاصی ندارند و تعیین مرجع ضمیر کفایت می کند. به یک نمونه از آنها، همراه با تعیین مرجع توسط استاد توجه کنید:

الکافی: «عنه، عن ابن فضال، عن مثنی الحنطاط، عن أبي أسامة، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: ...» ۲۱.

سند حدیثی که پیش از این حدیث نقل شده است، اینگونه است: «محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن ابن فضال، عن علی بن عقبه، عن سلیمان بن خالد، عن أبي عبد الله عليه السلام ...» ۲۲.

در این نمونه - علاوه بر واضح بودن عدم امکان روایت محمد بن یحیی از ابن فضال - به سبب تکرار نام ابن فضال، استاد به تعیین مرجع ضمیر اکتفا کرده، نگاشته اند: «ضمیر باز می گردد به احمد بن محمد بن عیسی در سند سابق».

ت) راهنمایی های استاد به تفصیل برخی از اسناد مختصر شده

ابتدا به یک نمونه واضح از اختصار سند که به توضیح نیاز نداشته است، توجه کنید:

الکافی: «وبهذا الإسناد، عن صفوان، عن عبد الله بن مسكان، عن محمد الحلبي، قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام ...» ۲۳.

سند حدیثی که پیش از این حدیث نقل شده است، اینگونه است: «محمد بن اسماعیل، عن الفضل بن شاذان، عن صفوان بن یحیی، عن إسحاق بن عمار، قال: ...» ۲۴.

استاد عموماً برای شکل های مختلف از اسناد مختصر شده ۲۵ - از جمله شکل فوق به سبب واضح بودن مراد - از ارائه توضیح صرف نظر کرده اند. در نمونه فوق، عبارت «وبهذا الإسناد» به منزله تکرار اسناد سابق است و چون نام صفوان تکرار شده است، هر کسی متوجه خواهد شد که مراد از «بهذا الإسناد» محمد بن اسماعیل عن الفضل بن شاذان است.

اما نمونه هایی اندک از همین شکل، در الکافی وجود دارند که نیاز به توضیح دارند؛ از این رو استاد در موارد مزبور، توضیح لازم را نگاشته اند. به یک نمونه از آنها، همراه با توضیح استاد توجه بفرمایید:

الکافی: «وبهذا الإسناد، عن محمد بن عبد الحميد، عن العلاء بن رزين، عن أبي عبيدة الحداء، عن أبي جعفر عليه السلام، قال: ...» ۲۶.

سند حدیثی که پیش از این حدیث نقل شده است، اینگونه است: «علی بن ابراهیم، عن أحمد بن محمد البرقي، عن علی بن الحکم، عن علی بن أبي حمزة، عن أبي بصير، قال: ...» ۲۷.

چنان که ملاحظه می کنید، در نمونه فوق، بعد از عبارت: «بهذا الاسناد» نام هیچ یک از راویان سند قبل از آن تکرار نشده است؛ از این رو ممکن است برای برخی این توهّم پیش آید که راوی از محمد بن عبد الحمید، علی بن ابراهیم یا علی بن الحکم است. استاد برای دفع چنین توهمی، نگاشته اند: «مراد از «بهذا الاسناد» علی بن ابراهیم، عن احمد بن محمد البرقي می باشد؛ همانا در الکافی (ح ۲۵۷ و ۶۹۰۹) روایت کرده است احمد بن محمد بن خالد - که همان برقی است - از محمد بن عبد الحمید؛ و محمد بن عبد الحمید - چنان که در الفهرست للطوسی (ص ۴۳۵) آمده است - صاحب کتابی است که روایت کرده است آن را از او احمد بن ابی عبد الله، که عنوانی دیگر است برای برقی».

۲۱. همان، ص ۶۴۴، ح ۲۳۷۵.

۲۲. همان، ح ۲۳۷۴.

۲۳. همان، ج ۷، ص ۸۶، ح ۵۸۳۴.

۲۴. همان، ص ۸۵، ح ۵۸۳۳.

۲۵. دو شکل دیگر از اختصار سند در الکافی عبارتند از:

الف) با ضمیر اشاره شونده نفر اول در سند قبلی؛ برای مثال: عنه، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد... هنگامی که سند پیش از آن، اینگونه باشد: محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد...

ب) حذف نسب راویان با اعتماد بر تفصیل نسب در سند پیش از آن؛ برای مثال، محمد، عن أحمد، عن الحسين...

۲۶. همان، ج ۱، ص ۸۴، ح ۶۴.

۲۷. همان، ح ۶۳.